

بررسی ویژگی‌های زبانی و محتوایی (فکری) روزنامه وقایع اتفاقیه

زهرا انصاری*

چکیده

صادق چوبک متعلق به نسل دوم نویسندگان ایرانی است که پس از تثبیت داستان کوتاه، در ارائه نمونه‌هایی موفق در این عرصه کوشیدند. چوبک در داستان‌هایش به زندگی اقشار بینوا و فرودست پرداخت و از زبان و لحن آنان سود برد تا واقعیت‌های زشت و تلخ حیات را با دقت و جزئیات تمام به تصویر کشد. نثر فارسی در دوره مشروطه با تحولات عمده و چشمگیری در گستره لفظ و معنا روبه‌رو شده است. عوامل متعددی در ایجاد این تحولات دخیل‌اند که روزنامه‌نگاری یکی از مهمترین آنها است. روزنامه وقایع اتفاقیه - که یکی از اولین‌های حوزه روزنامه‌نگاری و نخستین روزنامه فارسی‌زبانی است که در سال‌های متمادی به‌طور مرتب انتشار یافته است - به دلیل تقدم، جذابیت‌ها و حساسیت‌های ویژه‌ای دارد که بررسی مفصل ویژگی‌های سبکی آن، به درک صحیح‌تر و علمی‌تر سیر تحول نثر فارسی به‌طور عام، و نثر دوره قاجار به‌طور خاص، کمک زیادی می‌کند. در این مقاله، مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی این روزنامه، با ذکر شواهد متعدد از نثر آن، تحلیل و دسته‌بندی شده است.

کلیدواژه‌ها: روزنامه وقایع اتفاقیه، دوره قاجار، ویژگی‌های زبانی و محتوایی.

۱. مقدمه

برای مطالعه دقیق تحولات نثر فارسی، روش سبک‌شناسی انواع نثر می‌تواند یکی از علمی‌ترین و قابل‌اعتمادترین روش‌ها باشد؛ زیرا در این روش، هرآنچه به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده یک نوع ادبی به‌شمار می‌آید و بنا بر عوامل، ضرورت‌ها و شرایط خاص،

* دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه هرمزگان ansari.zahra@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۲۱

دچار تغییر و دگرگونی می‌شود، با بررسی دقیق سبک‌شناسانه و طبقه‌بندی در گروه‌های زبانی، فکری و ادبی مجزا تجزیه و تحلیل می‌شود و در نهایت گزارشی مفصل از تحول آن نوع به‌دست می‌آید.

به‌طور کلی، مطالعه انواع ادبی برپایه ویژگی‌های سبکی آنها می‌تواند به‌عنوان یکی از ضروریات مطالعات سبک‌شناسانه تلقی شود و لزوم ارتباط این دو فن بیشتر از گذشته مد نظر قرار گیرد. ملک‌الشعرا بهار در مقدمه کتاب ارزشمند سبک‌شناسی نوشته است: باید دانست که هیچ‌گاه نوع از سبک و سبک از نوع بی‌نیاز نیست؛ بلکه هر دو لازم و ملزوم‌اند، چه هر اثر ادبی جزء یکی از انواع ادبیات به‌شمار می‌رود و در همان حال نیز سبکی دارد. (بهار، ۱۳۸۰: ه)

در این مقاله، ویژگی‌های سبکی روزنامه وقایع اتفاقیه به‌عنوان طلایه‌دار یکی از انواع نوپای ادبیات فارسی - یعنی روزنامه‌نویسی - بررسی می‌شود.

نثری که امروز به‌دست ما رسیده است، گذشته بسیار پرفرازونشیب، همراه با حوادثی بی‌شمار - گاه سودمند و گاه زیانبار - پشت‌سر گذاشته و درطول سالیان متمادی، شاهد دگرگونی‌ها و تغییرات فراوانی در خویشتن بوده است؛ گاه پذیرای لغات و ترکیبات گوناگون عربی و شاهد نفوذ و رسوخ قواعد صرفی و نحوی این زبان در اجزای خویش شده، و گاه مورد حمله بی‌امان الفاظ ترکی و مغولی قرار گرفته است، زمانی به‌وسیله سخنوران چیره‌دست و توانا، صاحب شمایی دلپذیر و دلربا شده و گاه متحمل لفظ‌پردازی‌ها و مغلق‌نویسی‌های بی‌مورد نویسندگانی کج‌سلیقه و بی‌ذوق شده است. از نظر محتوا و مضمون نیز به همین ترتیب، شاهد ورود مضامین گوناگون طی سالیان بلند درقلمرو خویش بوده است: گاه مطالب حماسی و روایات پهلوانی قوم ایرانی، گاه مطالب علمی و تجربی و طبیعی، روزگاری ترجمه و تفسیر قرآن، زمانی تاریخ‌نویسی و گاه مضامین غنایی و عرفانی در نثر فارسی خودنمایی می‌کنند و هر یک به گونه‌ای، پرباری کارنامه مفصل نثر فارسی را موجب می‌شوند.

یکی از دوره‌های مهم نثر فارسی، هم از نظر ورود مضامین و محتویات جدید در آن، و هم از لحاظ تغییرات قابل توجه سبکی و ساختاری، عصر مشروطه است؛ تا جایی که محققى مانند دکتر ناتل خانلری معتقد است که نثر این دوره از هر دو وجه سبکی و محتوایی شاهد تحولات عمیق و متعددی بود: نویسندگان زیادی در عصر مشروطه تلاش کردند نثر فارسی را به‌سوی سادگی و روانی از دست رفته‌اش بازگردانند و عوامل متعددی

موجب پدید آمدن احتیاجاتی جدید و بی‌سابقه در حیطه محتوا و مضمون نثر فارسی گشت. یکی از مهم‌ترین این عوامل، طبع روزنامه‌های متعدد و نشر مقالات سیاسی و اجتماعی آنها است. (ناتل خانلری، ۱۳۶۹: ۲۷۰)

بررسی سیر تحول نثر فارسی در دوره قاجار، نشان می‌دهد که تحولات عظیم اجتماعی ایران در این عصر، موجب تحولات گسترده‌ای در ادبیات و به‌ویژه نثر فارسی در گستره لفظ و معنا شده است (نخستین کنگره نویسندگان ایرانی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). طبق نظر پژوهندگان این حوزه (ناتل خانلری، آراین‌پور، شاه‌آبادی، استعلامی، ...)، از جمله عوامل مؤثر در این تحولات اجتماعی، می‌توان به گسترش ارتباط علمی - فرهنگی ایران با اروپا - که اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا و امریکا، یکی از مهمترین مظاهر آن است، رواج صنعت چاپ و تأسیس چاپخانه‌ها، تأسیس دارالفنون، رونق بازار ترجمه، و گسترده‌ترین عامل یعنی روزنامه و روزنامه‌نگاری اشاره کرد.

واژه «روزنامه» در ادبیات ایران سابقه‌ای کهن دارد: مفهومی که از این واژه در گذشته استنباط می‌شده است، آنچه امروزه از آن دریافت می‌شود، تفاوت دارد. بنا به پژوهش زهرا باقریان‌نژاد اصفهانی: کهن‌ترین مأخذی که تا کنون در آن واژه «روزنامه» دیده شده، این بیت عنصری (ف ۴۳۱ هـ.ق) است:

به روزنامه ایام در همه پیداست اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان
(باقریان‌نژاد اصفهانی، ۱۳۷۱: ۸)

وی می‌افزاید:

این واژه مرکب است از واژه روز + نامه (نامک پهلوی)، و معرب آن روزنامج و روزنامه‌ج است. بیرونی در الجواهر فی معرف الجواهر (ص ۲۶۰)، و ثعالبی در یتیمه‌الدهر (چاپ دمشق، ج ۲، ص ۱۰ - ۱۱) و یاقوت حموی در معجم‌الادباء (ج ۵، ص ۴۴۰) واژه «روزنامه‌ج» را به‌کار برده‌اند. (همان)

اما همان‌گونه که محیط طباطبایی و دیگران در آثار خود با تأکید بیان می‌کنند، واژه «روزنامه» در آن روزگار به معنای امروزی آن کاربرد نداشته و «مفهوم نوشته دیگری را داشته، که معمول و مصطلح دیوانیان و بازرگانان و دریانوردان قدیم برای ثبت احوال و اعمال روزمره ایشان بوده است. این، همان واژه‌ای است که به تدریج به صورت معرب آن یعنی «روزنامج» و «روزنامه‌ج» به صورت نوساخته «روزنامه‌ج» درآمده و تا روزگار اخیر بر زبان و قلم نویسندگان دیوانی می‌گذشت.» (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۴).

در زمان قاجاریه و حتی پس از پیدایش روزنامه مرتبی مانند روزنامه وقایع اتفاقیه، باز هم معنای رایج روزنامه دقیقاً آنچه امروز استنباط می‌شود، نبود واژه «روزنامه» در اکثر موارد به معنی «رپورت»های وقایع‌نگاران دولتی، و به اصطلاح گزارش مکتوب حوادث و رویدادهای مهم یک شهر یا یک منطقه بود که به پایتخت ارسال می‌شد:

در روزنامه سمنان نوشته‌اند که در ایراج که محل جندق است، سربازی شیردل نام فوت شده بود. او را آورده، غسل دادند. بعد از غسل خواستند که از روی تخته برداشته، دفن نمایند؛ ناگاه از روی تخته حرکت کرده، نشسته، به خویشان خود گفت... (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱، شماره ۵، ص ۲۴)

در این اوقات بحمدالله از هر یک از ولایات که روزنامه و خبری می‌آید، از اهتمام امنای دولت قوی شوکت علیه همه جا امن و آرام و ... است. (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱، شماره ۷، ص ۳۳)

جالب است بدانیم که در کنار این معنای رایج برای واژه «روزنامه»، معنای امروزی این واژه هم به تدریج از همان اوقات در حال شکل‌گیری و استحکام جایگاه خود در زبان فارسی بوده است؛ برای مثال، در همین روزنامه وقایع اتفاقیه می‌خوانیم:

در روزنامه اخبار دولت بهیئت روس که در تغلیس اطباع می‌شود، در خصوص راه‌انداختن روزنامه دارالخلافه طهران شرحی نوشته‌اند و از قرار نوشته آنها معلوم می‌شود که روزنامه دارالخلافه را در آنجا بسیار پسندیده بودند... (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱، شماره ۸، ص ۳۷)

در یکی از روزنامه‌های لندن که مارنیک کرانیکل می‌نامند که به تاریخ هشتم ماه جنوری که مطابق پنجم ربیع‌الاول می‌باشد در لندن اطباع شده، نوشته بودند که اهل انگلیس در اول این سال چندین باعث خورسندی دارند... (روزنامه وقایع اتفاقیه، سال ۱، شماره ۳، ص ۱۵)

ذکر این نکته ضروری است که واژه «روزنامه»، جزئی از نام «روزنامه وقایع اتفاقیه» است، نه به مفهومی که امروزه از «روزنامه» دریافت می‌شود، گرچه در اکثر منابع به نادُرست از آن با عنوان وقایع اتفاقیه یاد کرده‌اند. دکتر اسماعیل رضوانی در این باره نوشته است:

نکته‌ای که باید تذکر داده شود، این است که کلمه «روزنامه» در این زمان بر نشریه‌ای که به طور منظم منتشر می‌شد، اطلاق نمی‌شد، بلکه مطلقاً معنای «گزارش» داشت. پس روزنامه وقایع اتفاقیه یعنی گزارش وقایعی که اتفاق افتاده است... بنابراین، کلمه روزنامه جزء اسم این نشریه است؛ یعنی اگر بگوییم وقایع اتفاقیه، اسم آن را ناقص ادا کرده‌ایم؛ باید حتماً بگوییم و بنویسیم: روزنامه وقایع اتفاقیه. (رضوانی، ۱۳۴۵: ۷)

۲. روزنامه وقایع اتفاقیه

روزنامه وقایع اتفاقیه تا مدت‌ها، نخستین روزنامه در کشور ایران تلقی می‌شد؛ و محققانی چون «براون»، «راینو» و «محمدعلی خان تربیت» همگی بر این اعتقاد بودند که این روزنامه که در سال سوم سلطنت ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر آن را تأسیس کرد، اولین روزنامه‌ای است که به سبک امروزی در ایران منتشر شده است؛ اما وجود دو شماره روزنامه تقریباً منحصر به فرد با شماره 3(13) o.p. در کتابخانه موزه بریتانیا و مشاهده آنها توسط علی مشیری، خلاف این نظر را ثابت کرد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲). این روزنامه در حدود سال ۱۲۵۳ هـ.ق. به مدیریت میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر شده و تا کنون هیچ نسخه‌ای از آن در ایران یافته نشده است (همان). علی مشیری مشاهدات خود را این‌گونه بیان می‌کند: این روزنامه به قطع ۴۰ سانتی‌متر طول و ۲۴ سانتی‌متر عرض در دو صفحه با خط نسخ در تیتراها و خط نستعلیق در متن با چاپ سنگی، بدون نام و عنوان چاپ می‌گردید. صفحه اول به «اخبار ممالک شرقیه» و صفحه دوم به «اخبار ممالک غربیه» تخصیص یافته بود. در بالای صفحه اول در وسط، با خط نسخ چنین نوشته شده: اخبار شهر ربیع‌الثانیه سنه ۱۲۵۳... (مشیری، ۱۳۴۳: ۶۱۱ - ۶۰۹) تقریباً سیزده سال پس از انتشار روزنامه میرزا صالح شیرازی (۱۲۶۵ هـ.ق.)، دومین روزنامه ایران با نام زاهریر دباها - به معنای «پرتو روشنایی» - به زبان آسوری (سریانی شرقی جدید) در ارومیه منتشر شد و انتشار آن حداقل ۶۹ سال ادامه یافت (پروین، ۱۳۷۷: ۱۳۵ - ۱۳۶).

این دو روزنامه، ماهانه منتشر می‌شدند (البته شماره‌های واپسین زاهریر دباها پانزده روز یک‌بار چاپ می‌شد). اما درباره نخستین روزنامه یومیه در ایران، اقوال متفاوتی وجود دارد که خلاصه مهم‌ترین آنها چنین است:

- صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران و آراین‌پور در کتاب از صبا تا نیما، «خلاصه‌الحوادث» را نخستین روزنامه یومیه ایران می‌دانند که «در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه... به سال ۱۳۱۶ هـ.ق. به قطع متوسط چهارصفحه‌ای در تهران منتشر شده است. (آراین‌پور، ۱۳۷۵: ۲۴۵)

- میرزا یحیی دولت‌آبادی معتقد است: امین‌الدوله روزنامه تربیت را که به قلم میرزا محمدحسین فروغی ملقب به ذکاءالملک نوشته می‌شد و به‌طور هفتگی دایر بوده... یومیه می‌گرداند و این، اول روزنامه یومیه است که در این پایتخت دایر می‌شود. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۹۹)

- کسروی هم حبل‌المتین تهران را که سیدحسن کاشانی منتشر می‌کرده است، نخستین روزنامه روزانه ایران می‌داند. (کسروی، ۱۳۷۸: ۲۷۵)

در این میان، روزنامه وقایع اتفاقیه را که انتشار آن از پنجم ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۷ هـ.ق. در تهران آغاز شد و تا ده سال به‌طور هفتگی به‌چاپ می‌رسید، می‌توان سومین روزنامه ایران و «پیش‌تاز یک رشته روزنامه‌های دولتی به‌شمار آورد که انتشارشان با تغییر نام‌های مکرر تا پس از جنگ جهانی اول ادامه داشت. (پروین، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

این روزنامه، تا سال ۱۲۷۷ - که شماره ۴۷۰ آن منتشر شد - به همان نام و شکل پیشین باقی ماند؛ اما از شماره ۴۷۱، ابتدا کلمه «اتفاقیه» از عنوان آن حذف شد و به‌دنبال آن، از شماره ۴۷۲، به‌نام روزنامه دولت علیه ایران منتشر شد. این امر، به‌دلیل انتقال اداره این روزنامه از تبعیت وزارت خارجه به وزارت علوم صورت گرفت (همان). روزنامه دولت علیه ایران، با مدیریت میرزاابوالحسن خان صنیع‌الملک که بنیانگذار نخستین مدرسه نقاشی در ایران بود و با فن تصویر بر روی سنگ چاپ آشنایی کامل داشت، شروع به کار کرد و چون از این پس با افزودن تصاویر گوناگون از رجال دولت، ابنیه دولتی و... منتشر شد، نخستین روزنامه مصور چاپ ایران است (همان). ناگفته نماند که با وجود تغییر عنوان، ترتیب شماره‌گذاری روزنامه عوض نشده و اولین شماره روزنامه دولت علیه ایران، «نمره ۴۷۲» خورده است.

۱.۲ نام و ویژگی‌های ظاهری روزنامه وقایع اتفاقیه

نظر محیط طباطبایی درباره نام این روزنامه این است که «وقایع» را که مترادف «اخبار» و «حوادث»، و ترجمه «نیوز» انگلیسی یا «نول» فرانسه است، از نام تقویم وقایع - روزنامه رسمی عثمانی - یا وقایع مصریه قاهره گرفته، و صفت «اتفاقیه» را که مفید مفهوم «روداده» است، بر آن افزوده‌اند؛ و درحقیقت باید گفت سه روزنامه رسمی مصر، عثمانی و ایران، از ترکیب کلمه «وقایع» با کلمه متمم دیگری نام گرفته بودند. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵: ۲۶)

روزنامه وقایع اتفاقیه گاه در چهار صفحه و اغلب در شش صفحه و گاهی نیز در هشت و به‌ندرت در دوازده صفحه منتشر می‌شده است. قیمت روزنامه در طول ده سال هیچ تغییری نکرده و شکل روزنامه تقریباً همیشه یکسان و یکنواخت است. البته تا شماره ۳۱۸، مطالب صفحات روزنامه ستون‌بندی شده است و اخبار و مطالب دیگر مندرج در روزنامه در ستون‌های معین و با ظاهری منظم به‌چاپ رسیده‌اند؛ اما از این شماره به بعد، ستون‌بندی حذف شده و ظاهر روزنامه با خط‌کشی حاشیه صفحه به‌شکل کتاب‌های چاپی آن زمان درآمده است.

۲.۲ دست‌اندرکاران روزنامه

چاپ این روزنامه به‌دستور امیرکبیر آغاز شد و چهل‌ویک شماره آن در زمان حیات وی به‌چاپ رسید و شماره چهل‌ونهم آن حاوی خبر تحریف‌شده قتل این سیاستمدار خیراندیش بود.

مدیریت روزنامه وقایع اتفاقیه را حاجی میرزا جبار تذکره‌چی به‌عهده داشت. وی مدتی مأمور تذکره آذربایجان و چندی نیز ژنرال کنسول ایران در بغداد بود؛ و چون مدتی هم رئیس کل اداره تذکره بود، به تذکره‌چی معروف شد. (بامداد، ۱۳۷۵: ۲۳۳)

براساس پژوهش‌های ناصرالدین پروین، مدیریت میرزا جبار - که از اشخاص مورد توجه میرزاتقی‌خان امیرکبیر بوده - بیشتر در حد اسم ظاهری است و کاربرد اصلی این روزنامه، «ادوارد بورجس» انگلیسی است که در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه از هند به ایران آمد و در تبریز - مقر دستگاه عباس میرزا ولیعهد - به‌عنوان مترجم و بعدها مسئول چاپ، پذیرفته شد. وی در زمان پادشاهی محمدشاه به تهران آمد و در ابتدای دولت ناصرالدین‌شاه، به‌دعوت امیرکبیر به‌سمت «مترجم دربار» منصوب شد. گویا ادوارد بورجس - که ایرانیان او را «برجیس» می‌خواندند و به‌عنوان مباشر روزنامه و مترجم اخبار خارجی، مأمور انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه نیز بود - فارسی را خوب نمی‌دانسته و شاید به همین دلیل، ترجمه‌های او در روزنامه بسیار سست و تحت‌اللفظی است؛ و بدون تردید، این نثر سست و پر از خطای دستوری، بر ساختار واژگانی و نحوی روزنامه، اثرات مخربی گذاشته است. (پروین، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۳۷)

۳. مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی روزنامه وقایع اتفاقیه

برای دست‌یافتن به مهم‌ترین مختصات سبکی روزنامه، ویژگی‌های پربسامد زبانی، فکری و ادبی نثر آن - چنان‌که در مطالعات سبک‌شناسی مرسوم است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳) - برشمرده می‌شود؛ با تذکر این مطلب که «از میان انواع مختصاتی (features) که در یک متن دیده می‌شود، فقط برخی ارزش سبکی دارند ... این مختصات چه لفظی باشند و چه فکری و چه ادبی، باید مکرر باشند، یعنی بسامد بالایی داشته باشند. (همان، ص ۹۹)

۱.۳ خصوصیات دستوری

الف) اسم

- جمع‌بستن کلمات غیرعربی به‌سیاق عربی:

سایر بلوکات فارس امن و آرام است. (ش، ص ۲۴)
در سفر گرمسیرات هم زحمت زیاد کشیده بودند. (ش ۷۳، ص ۴۲۶)
- کاربرد فراوان جمع‌های مکسر عربی:
«مرحوم نایب‌السلطنه به فرادیس جنان شتافته‌اند. (ش ۴، ص ۱۸)
«امید است که کارگزاران دیوانی، آب جاری را دایم‌الاقوات در دارالخلافه برقرار بدارند
که رعایا و کسبه و عجزه قدر این نعمت و رعیت‌پروری را دانسته، دعاگوی دولت
جاویدمدت علیه باشند. (ش ۳۰، ص ۱۴۸)
در این اوقات که ایام محرم‌الحرام و تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا است، عموم علما و
سادات و اعیان و اشراف و رعایا و برایا در تکایا به مراسم تعزیه‌داری قیام و بدعاگویی دوام
... اقدام دارند. (ش ۴۰، ص ۲۰۸).
- جمع بستن کلمات عربی با علامت‌های جمع فارسی:
ولکن به سبب اینکه نخواستند به صاحبان انبار سخت‌گیری بشود، سعی و کوشش تمام
کردند که رفع معطلی خلق شده، اجناس... فراوان بشود. (ش ۲۰۷، ص ۱۳۲۴)
بعد از آنکه در اکثر جاها پادشاهان به یاغیان غالب آمده... (ش ۳، ص ۱۶)
افعی را به کسان و متعلقان خود نشان داده... (ش ۶، ص ۳۱)

ب) صفت

- مطابقت جنسی صفت و موصوف به سیاق عربی:
افواج قاهره نظام... در این اوقات ماه مبارک رمضان، به جهت ضعف روزه،
حسب‌الاشاره‌العلیه از مشق معاف و مرخص می‌باشند. (ش ۷۳، ص ۴۲۵)
از آنجا که اهتمام اولیای دولت جاویدآیت علیه آن است که صنایع بدیعه در ممالک
محروسه پادشاهی به ظهور آید... (ش ۲، ص ۷)
درین باب کتابچه مبسوطه محتوی بر فصول مفصله مرقوم گردیده ... (ش ۴، ص ۱۷)
صاحب‌اختیار آذربایجان زن مزبوره را احضار نموده، تحقیق مراتب فرمودند. (ش ۵، ص ۲۳)

ج) قید

- به کاربردن کلمات عربی به عنوان قید:
تخمیناً به قدر بیست و پنج ذرع قطر اوست. (ش ۷۴، ص ۴۳۷)
«در خدمات محوله به خود، حسن اهتمام و صداقت و راست‌قلمی را مشهود پیشگاه

اعلیحضرت پادشاهی داشته، سفر حضراً مصدر خدمات تحریر رسایل خاصه و به صفت امانت و رازداری و... موصوف و خدماتش مقبول و مستحسن خاطر امنای دولت جاویدمدت گردیده ... (ش ۴۰، ص ۲۰۸)

مقرر شد که حکماً باید اموال این ضعیفه پیدا بشود. (ش ۹، ص ۴۲)
یک رؤس اسب و دو قبضه تفنگ از او حکماً و عناً گرفته‌اند. (ش ۸، ص ۳۹)

د) مصدر

- کاربرد فراوان مصدرهای عربی:

«صفحات هرات هم از این اوقات از حسن اهتمام اولیای دولت قاهره و اشتعال نایره حرب و قتال با زحمت سوق عسکر و جدال خالی از نظم نیست. (ش ۷۴، ص ۴۳۱)
در این ضمن، همیشه جویا از کم و کیف و شدت و ضعف و رفع و دفع این علامت بودند. (ش ۴۰، ص ۲۰۷)

«هزار نفر سوار خمسه برای انتظام صفحات خراسان مأمور شدند. (ش ۷۴، ص ۴۳۱)

ه) ضمیر

- آوردن ضمیر «او» برای غیرذی‌روح:

«خانه‌ای در آن شهر نمانده است که کم‌و‌بیش خرابی به او نرسیده باشد. (ش ۳۰، ص ۱۵۱)
در یکی از جزایر سندویچ، کوه سوزنده هست؛ در این روزها تازه آتش و سنگ گداخته از او بیرون آمده است. (ش ۷۴، ص ۴۳۶)

و) فعل

- آوردن افعال در وجه وصفی:

در فرنگستان نهر می‌سازند که کل فاضلاب به آن نهر ریخته، بیرون شهر می‌رود. (ش ۶، ص ۲۹)

طایفه بلوچ متوقف سیستان بسیار خودسری و هرزگی آغاز کرده، در دزدی و راهزنی شدتی داشتند. (ش ۶، ص ۲۸)

شفیع خان نایب آجودان‌باشی که مأمور مصلحت‌گذاری و توقف لندن بود، در روز شنبه چهارم ماه مرخص شده، رفت. (ش ۶، ص ۲۷)

- حذف افعال به قرینه لفظی:

معمولاً فعل‌های ربطی در جملات بدون قرینه لفظی حذف می‌شوند؛ که این حالت می‌تواند صورتی از استعمال افعال ماضی نقلی به صورت وصفی تلقی شود.

یارمحمدخان ظهیرالدوله به اجازه اولیای دولت علیه جمعیتی از هرات بر سر آنها فرستاده، چند قلعه از آنها گرفته، تنبیه و گوشمالی درستی به آنها داده است. (ش ۶، ص ۲۸) دو نفر از اهل قافله را کشته و بسیاری از آنها را زخم‌دار کرده‌اند. (ش ۳۰، ص ۱۵۱) دو نفر از ترکمانان با دو رأس اسب به دست آمده، مابقی فرار کرده‌اند. (ش ۲۰۷، ص ۱۳۲۶)

ز) جمله

- طولانی بودن جملات:

عالیجاه مقرب الخاقان عزیزخان آجودان باشی عساکر منصوره که به واسطه اتحاد فیما بین دولتین از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی برای مزید اتحاد به احوال پرسی و منزل مبارکی نواب ولیعهد امپراطوری که به صفحات ایروان آمده بودند، رفته بود و از ایروان مراجعت نموده، چندی برای نظم و سرکشی قشون آذربایجان در آن طرفها توقف نموده، روز پنجشنبه نهم جمادی الاولی وارد دارالخلافه گردیده، شرفیاب حضور همایون سرکار اعلیحضرت پادشاهی مورد الطاف و نوازشات نامتناهی گردید. (ش ۷، ص ۳۴)

- وجود جملات نابه‌سامان و شتابزده:

از آنجا که در دولت علیه ایران از عهد پادشاهان قدیم متداول و معمول است که عموم خلق از اعالی و ادانی سیزدهم عید را به شادمانی و تفریح گذراندن خوب و شگون گرفته‌اند و بسیاری به بیرون‌ها و تفرجگاه‌ها می‌روند زیرا که اول بهار است و اکثر جاهای این مملکت در این فصل سبز و خرم و باصفاست و الحق این قانون بسیار خوب و مخصوص به این دولت علیه است و بعضی دول دیگر ندارند و میمون گرفته‌اند که این روز را به عشرت و شادمانی به سر ببرند. (ش ۹، ص ۴۱)

۲.۳ خصوصیات لغوی

الف) کاربرد وسیع ترکیبات عربی

«حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی، از روز دوشنبه... عموم چاکران مرخص دید و بازدید ایام نوروز گردید. (ش ۸، ص ۳۹)

«افواج قاهره نظام ... درین اوقات ماه مبارک رمضان، به جهت ضعف روزه،

حسب الاشارة العلیه از مشق معاف و مرخص می‌باشند. (ش ۷۳، ص ۴۲۴)

«سمت جنوب این مملکت، دایم الاوقات مانند تابستان است. (ش ۵، ص ۲۶)

... حسب الحکم از اول ماه گذشته تا بیست و هشتم در خود طهران سیصدوسی نفر را آبله کوبیده‌اند. (ش ۹، ص ۴۲)

مبلغ بیست پوند انگلیس از دولت حق السعی بگیرد. (ش ۵، ص ۲۵)

ب) به‌کار بردن اسامی ماه‌های عربی

این امر به علت رایج بودن سال قمری است؛ به‌گونه‌ای که در کل شماره‌های مطالعه‌شده که شمارشان به چهل می‌رسد، هیچ ذکری از ماه‌های فارسی نیست. در روز شنبه سلخ شهر ربیع الثانی تشریف‌فرما شدند. (ش ۵، ص ۲۳) در یکی از روزنامه‌های لندن که مارنیک کرانیل می‌نامند که به تاریخ هشتم ماه جنوری که مطابق پنجم ربیع الاول می‌باشد... (ش ۳، ص ۱۵)

ج) کاربرد لغات و اصطلاحات ترکی

آذوقه: بعضی گویند کلمه ترکی است و ظاهراً مصحف عدوقه و عدوقه عربی به معنی خوردنی باشد. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

بلوک: جایی که مشتمل بود بر چندین قریه و ده. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

جَبه‌خانه: اسلحه‌خانه (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

چاپار: پیک برید (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

ساخلو: گروهی از سربازان که در مکانی جای گزیده و به حفظ و نگهبانی آن گماشته شده باشد. این کلمه ترکی است و فرهنگستان، «پادگان» را به جای آن برگزیده است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

سیورسات: خواروبار و زاد و علوفه که از روستاهای سرراه برای عبور لشکریان یا موکب خان گرد آورند. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

قراولی: نگهبانی، محافظت (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

قورخانه: زرادخانه، اسلحه‌خانه (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

کشیکچی: حارس پاسبان (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

گزمه: شبگرد و پاسبان شب (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

یوزباشی: کلمه ترکی است مرکب از یوز (صد) + باش (رئیس و سر) + ی. معنی ترکیبی آن، سردار و رئیس صد نفر است. در دوره قاجاریه، منصبی بود بی‌عده معلوم و پس از آن دهباشی بود. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

د) تلفظ خاص نام بعضی شهرها و کشورها

آستریه، وینه: «آستریه» نام دیگر «اتریش» می‌باشد؛ و «وینه» همان «وین» پایتخت این کشور است. (به نقل از لغت‌نامه دهخدا، ذیل لغت اطریش)

«در فرنگستان، خصوص در شهرهای وینه - پایتخت آستریه - و پاریس - پایتخت فرانسه - و لندن پایتخت انگلیس - سلسله‌ای از تجار بزرگ از ملت موسوی تمکن دارند. (ش ۱۰۹، ص ۶۵۹)

اسپانیول: اسپانیا.

بسیارشان در مملکت مجارستان و اسپانیول سکنی دارند. (ش ۳، ص ۱۶)

بندر/بوشهر: بندر بوشهر.

از بابت بیست و پنج هزار قبضه تفنگی که اولیای دولت علیه از مستر هاگر به جهت افواج نظامی ابتیاع نموده بودند، شش هزار این اوقات به بندر ابوشهر وارد شده که چندی بعد ازین بدارالخلافة خواهد رسید. (ش ۳، ص ۱۴)

دینمارک: دانمارک.

طرفین دینمارک و هالستین، قشونشان درمقابل یکدیگر نشسته‌اند. (ش ۶، ص ۲۹)

سنت پتورزبورق: سن پترزبورگ.

در این روزها، چاپار به دارالخلافة طهران رسید و از سنت پتورزبورق - پایتخت ممالک روسیه - اخبار آورده بود. (ش ۴۰، ص ۲۰۷)

نمسه: نام دیگر اتریش (به نقل از لغت‌نامه دهخدا)

هانزی سینک - که از اولاد قدیم پادشاهان فرانسه بود - مدتی در شهر ونیز بود و از آنجا می‌خواست به ولایت نمسه برود. (ش ۷۳، ص ۴۲۷)

وارشه، له: ورشو، لهستان.

«در آنجا چند وقت بنا دارد توقف بکند و بعد از آن وارد وارشه - پایتخت مملکت له - بشود. (ش ۷۴، ص ۴۳۶)

همبورق: هامبورگ؛ بزرگ‌ترین بندر آلمان.

اهل همبورق خواهش کرده‌اند که دولت آستریه این قشون را بردارند. (ش ۳۰، ص ۱۵۱)
ینگی دنیا: «ینگی» در ترکی به معنی «تازه» و «نو» است و «ینگی دنیا» که به آمریکا اطلاق می‌شود، به معنی «جهان نو» است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

در شهر نیویارک ینگِ دنیا باینکه دولت جداگانه‌اند و به این عمل مداخلیت ندارند، به محض شنیدن ناخوشی و با روزنامه‌نویسان به خلق اعلام کردند که تنخواهی جمع‌آوری نموده، فرستادند. (ش ۶، ص ۳۰)

ه) کاربرد لغات فرنگی

کاربرد کلمات و اصطلاحات فرنگی در این روزنامه چندان زیاد نیست و غیر از ذکر نام ماه‌های اروپایی هنگام نقل قول خبری از روزنامه‌های آنها، به تعداد انگشت‌شماری از دیگر لغات فرنگی برمی‌خوریم؛ از جمله:

آجودان‌باشی: «آجودان» لغتی فرانسوی است و در لغت‌نامهٔ دهخدا معنی آن این‌گونه آمده است: صاحب‌منصبی معلوم در نظام؛ نایب، آجودان‌باشی: رئیس آجودانان. «عالیجاه کلب‌حسین خان نایب آجودان باشی که مأمور رسیدگی و سرپرستی قشون آذربایجان بود. (ش ۳، ص ۱۵)

بلون:

شخصی که طناب دیگر در دستش بود، از آن راه که ترسید که بلون او را به هوا بردارد، طناب را از دست رها کرد، بلون مثل تیر که از کمان بجهد، به هوا رفت. (ش ۴، ص ۲۱)

پولیس:

تا آخر صاحب‌دکان فهمیده و نظام ضبطیه را که پولیس می‌نامند، خبردار کرده و آنها را گرفته، به حبس برده بودند. (ش ۱۵۶، ص ۹۹۵)

قونسول: معرب «کنسول»؛ مأموری که کار رسمی او حمایت از هم‌میهنان خود و حفظ منافع آنها در کشور بیگانه می‌باشد. (لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل واژه)

«قونسول‌های دول خارجه ساکن اسکندریه راضی به این عمل نبودند. (ش ۶، ص ۳۱)

و) ساخت و به‌کارگیری واژگان و ترکیب‌های جالب توجه و گاه نادر فارسی

چوب‌کاری:

دزدها را دیده و هر سه را گرفته، نزد عالیجاه چراغعلی خان نایب‌الحکومه آورده‌اند. بعد از چوب‌کاری بسیار، یکی راداده پی بریده‌اند و یکی را هم دست بریده. (ش ۹، ص ۴۱)

خدمتانه: حق‌الزحمه.

بعضی نوکرهای حکام ولایات، در تقسیم‌کردن این روزنامه‌ها، سواى قیمت روزنامه، به اسم خدمتانه و غیره، از خلق پول مطالبه کرده و گرفته‌اند. (ش ۹، ص ۴۱)

زخم‌دار: زخمی.

بیست نفر از قشون هالستین دیل دستگیر قشون دینمارک شدند و چند نفر هم از طرفین کشته و زخم‌دار گردید. (ش ۳، ص ۱۵)

ستیز و آویز: جنگ و دعوا.

سواره ترکمان مغلوب و مخدول و منکوب فرار بر قرار اختیار کرده و دست از ستیز و آویز کشیده، راه گریز پیش گرفتند. (ش ۴۰، ص ۲۱۰)
شوقمند: مشتاق.

حال همگی منتظر و شوقمند مراجعت مرکوب همایونی می‌باشند. (ش ۳۰، ص ۱۴۸)
کم‌یافت: کمیاب.

اوقاتی که در بعضی شهرهای روی زمین به‌خصوص اسلامبول آب کم‌یافت بود، اهل طهران آب جاری فراوان داشتند. (ش ۳۰، ص ۱۴۸)
کوه سوزنده: کوه آتشفشان.

در یکی از جزایر سندویچ کوه سوزنده هست. درین روزها تازه آتش و سنگ گداخته از او بیرون آمده است و به‌طوری که گویا بر روی زمین چنین کوه سوزنده به اینقدر آتش و شعله و فلز گداخته تا به‌حال دیده نشده است. (ش ۷۴، ص ۴۳۶)

کلیچه: نوعی جامه پنه‌دار آجیده‌کرده (نقل از لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)
هوا به‌طوری برودت به‌هم رسانده است که اغلب مردم بدون کلیچه و بالاپوش نمی‌توانند راه بروند. (ش ۱۴۴، ص ۹۰۱)

لاله و مردنگی: لاله: لامپ؛ و مردنگی: سرپوش بزرگ بلورین که لاله یا لامپ را زیر آن نهند تا از باد مصون ماند. (نقل از لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه)

بحمدلله به هیچ‌کس مطلقاً صدمه نرسید مگر اینکه از اسباب چراغانی تکیه که بسیار از لاله و مردنگی و جار و بلورآلات برای زینت چیده بودند، قدری شکسته. (ش ۴۰، ص ۲۰۸)
نظام آتش‌خاموش‌کن: آتش‌نشانی

یک خانه در سمت محله جوهرالی [اسلامبول] آتش گرفته، نظام آتش‌خاموش‌کن که در آنجا دارند، زود جمع شدند و آتش مذکور را خاموش کردند. (ش ۲، ص ۱۱)

۴. بررسی ویژگی‌های محتوایی (فکری) روزنامه وقایع اتفاقیه

این روزنامه چون کاملاً دولتی بود و در جهت سیاست‌های دولت حاکم انتشار می‌یافت،

تنوع محتوایی چشمگیری نداشت؛ چنان که با مرور شماره‌های متعددی از سال‌های مختلف این روزنامه، درمی‌یابیم که سیری خاص به شرح زیر، در اکثر آنها تکرار می‌شود:

نخست اخباری درباره برقراری امنیت و آرامش در سراسر کشور، آنگاه تمجید از شخص پادشاه و دعاگویی و ثنای او و شرح مهمانی‌ها و شکار و سفرهای شخص پادشاه و همراهان وی، آنگاه سخنانی چند درباره وضعیت جوی و آب و هوایی به صورت مختصر، و بعد از آن، اخباری مبنی بر رونق اقتصادی کشور در آن درج می‌شد و آنگاه به گونه‌ای مفصل، درباره امور نظامی و لشکری مملکت و تمامی عزل و نصب‌ها، اعطای القاب و مناصب لشکری و کشوری گزارش داده می‌شد و حتی از خبر به مرخصی رفتن فلان فوج نظامی یا تمرینات روزانه فلان لشکر هم نمی‌گذشت و تک تک آنها را شرح و عملکرد آنها را گزارش می‌داد.

همه این مطالب زیر عنوان «اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی» قرار می‌گرفت. در بعضی شماره‌ها هم، وقایع عجیب و اتفاق‌های نادر و فوق‌العاده مانند تولد یافتن نوزادی عجیب‌الخلقه یا زنده شدن مرده و... درج می‌شد.

اینک برای نمونه، قسمت‌هایی از «اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی» که از شماره‌های مختلف روزنامه وقایع اتفاقیه انتخاب شده است، در زیر آورده می‌شود.

درین اوقات بحمدالله از هر یک از ولایات که روزنامه و خبر می‌آید، از اهتمام امنای دولت قوی شوکت علیه همه جا امن و آرام و رعایا و برابا در سایه اعلیحضرت پادشاهی با کمال آسودگی هر کس در کار خود برقرار و هر قراری به جای خود محکم و استوار است. (ش ۷، ص ۳۳)

در روز سه‌شنبه، بیست و دوم این ماه، اعلیحضرت پادشاهی به جهت ظهور و فور توجه و مراجع خسروانی درباره جناب جلالت‌مآب قواماً للشوکه الهیه اعتمادالدوله العلیه مؤتمن السلطان صدراعظم افخم تشریف‌فرمای خانه جناب معظم الیه گردیده... (ش ۶۶، ص ۲۴۱)

چون این اوقات ایام شکار کن و اعتدال هوای آنجاست، لهذا سرکار اعلیحضرت پادشاهی بنا دارند که در هفته آینده به شکارگاه کن تشریف‌فرما شوند و چند روزی در آنجا توقف خواهند داشت. (ش ۴، ص ۱۹)

از آنجا که اولیای دولت علیه در نظام راه‌ها و امنیت ممالک اهتمام تمام دارند، برای سد راه هرزگی طایفه بلوچ قرار جمازه سواری داده‌اند که همیشه متوجه محارست و

محافظت راه‌ها بوده، راه هرزگی بلوچ را مسدود دارند این اوقات آنها را به دارالخلافه احضار نموده بودند؛ وارد شدند که سان آنها را دیده، قرار درستی در کارشان داده، روانه نمایند. (ش ۶، ص ۲۸)

چون عالیجاه میرزاغفارخان سال‌های سال بود که به صداقت خدمت کرده، خاصه اوقاتی که اعلیحضرت پادشاهی تشریف‌فرمای سفر اصفهان بودند، لهذا او را به منصب جلیل نیابت دوم وزارت دول خارجه سرافراز نمودند که به امور تجارتي دول خارجه واری نمایند و فرمان همایون و خلعت درین باب به او مرحمت شد که سبب مزید مفاخرت او باشد. (ش ۴۰، ص ۲۰۷)

از انتظام امر خراسان در این روزها نوشته‌اند که دزدی کم می‌شود و فوج خلیج را که به مستحفظی شهر مشهد گذاشته‌اند کمال محارست را می‌نمایند. (ش ۸، ص ۳۸)

هزار نفر سوار خمسه برای انتظام صفحات خراسان مأمور شدند. (ش ۷۴، ص ۴۳۱)

از یمن طالع فیروزی مطالع و اقبال بی‌همال سرکار اعلیحضرت پادشاهی هوای دارالخلافه طهران درین اوقات به طوری خوب و خوش می‌گذرد که برف به آن شدت در سه چهار روزه به کلی از حول و حوش رفت که جمیع افواج حاضر رکاب همه روزه مشغول مشق هستند. (ش ۳، ص ۱۳)

از قراری که در روزنامه خراسان نوشته بودند، در سلخ ماه رجب از ضعیف طفلی به شکل و هیئت میمون متولد شده است که همه اعضای آن طفل به اعضای میمون مشابه بوده است مگر اینکه دم نداشته است. (ش ۷۳، ص ۴۲۵)

عالیجاه کلب‌حسین خان نایب آجودان‌باشی که مأمور رسیدگی و سرپرستی قشون آذربایجان بود، در دویم ماه ربیع‌الثانی به آنجا رسیده است و به امر قشون آنجا خوب رسیدگی می‌نماید. (ش ۳، ص ۱۵)

خبرهای خارجی

خبرهای خارجی روزنامه زیر عنوان «اخبار دول خارجه» یا «اخبار خارجه» چاپ می‌شد. تنظیم این خبرها در دوره تصدی ادوارد بورجس، نظمی منطقی برخوردار داشت: خبرهای خارجی رسمی را زیر نام کشور محل وقوع آن خبر که به ترتیب الفبایی ردیف می‌شدند، آورده می‌شد و خبرهای غیررسمی را زیر عنوان «احوال متفرقه» درج می‌کردند. میزان خبرهای خارجی روزنامه وقایع اتفاقیه تا اواسط ۱۲۷۱ق. زیاد بود و نیمی از

سطح روزنامه را دربرمی گرفت. از آن هنگام به بعد، به انگیزه سفر یک‌ساله بورجیس به انگلیس و دستور دولت مبنی بر عدم درج خبر جنگ‌های اروپا، بخش خبرهای خارجی کاهش یافت و بسیاری از شماره‌ها خبر خارجی نداشت. (پروین، ۱۳۷۷، ص ۱، ۱۵۳)

اخبار برون‌مرزی عمدتاً از روزنامه‌های عثمانی - که به زبان ترکی و فرانسوی چاپ می‌شد - و روزنامه‌های چاپ هندوستان و نیز روزنامه‌های فرانسه و انگلیس می‌گرفتند. (همان)

اینک، نمونه‌هایی از این اخبار:

مفسدین فرنگستان که دو سال پیش از این در اکثر ممالک آنجا یاغیگری و افساد کرده بودند و در بعضی جاها دولت پادشاهی را برهم زده، دولت جمهوری برپا کردند، بعد از آنکه در اکثر جاها پادشاهان به یاغیان غالب آمده، باز نظم سابق را در ممالک خود گذاشتند، این مفسدین به کل دنیا متفرق شدند و بسیارشان به ولایت انگلیس آمدند. (ش ۳، ص ۱۶)

می‌گفتند که پادشاه اسپانیول بنا داشت چند نفر از وزرا را معزول نماید و این خبر را در اغلب روزنامه‌های آنجا نوشته‌اند؛ ولکن وزرا به جای خود برقرارند و معلوم نیست که پادشاه چنین اراده‌ای داشته یا نه. (ش ۶، ص ۳۰)

در مشورت‌خانه فرانسه درباب مخارج لوی ناپلیان - رئیس دولت مزبور - گفت‌وگویی که پارسال درمیان بود، هنوز دارند. وزرا مصلحت دانسته‌اند که تنخواه اخراجات او را به قدری که خواسته است برقرار دارند. (ش ۸، ص ۳۹)

اهل ینکی دنیای شمالی اول که به کلی فارنیا رفتند و معدن طلا پیدا کردند، از خاک رودخانه‌ها درمی‌آوردند که خاک را می‌شستند و طلا از میانش درمی‌آوردند و در دره‌ها و جاهایی که سیلاب آمده بود، به همین طور طلا از میان خاک می‌جستند... بسیاری اشخاص که در آن ولایت قدری صاحب تنخواه شده‌اند، دیگر خاک طلا نمی‌شورند؛ با دیگران شریک می‌شوند و اسباب کوبیدن و گداختن سنگ به راه می‌اندازند. (ش ۱۴۴، ص ۹۰۳)

در فرنگستان نهر می‌سازند که کل فاضلاب به آن نهر ریخته، بیرون شهر می‌رود. در هر کوچه که این نهر را نمی‌سازند، ناخوشی زیاد می‌شود و مردمشان کم‌عمر می‌شوند. (ش ۶، ص ۲۹)

بخش نهایی اکثر شماره‌های روزنامه وقایع اتفاقیه، به درج آگهی و «اعلانات» اختصاص داشت؛ برای مثال، اسامی بعضی کتاب‌ها با قیمت آنها که به صورت آگهی در برخی شماره‌های این روزنامه درج شده، به قرار زیر است:

پنج تومان	کتاب شاهنامه فردوسی
یک تومان و پنج هزار	کتاب معراج السعاده
دو تومان	قران مجید اعلی
سه تومان	کتاب مجمع البحرین
بیست و پنج هزار	کتاب الف لیلی
یک تومان	کتاب اشارات
سه تومان	کتاب قاموس
پانزده هزار دینار	کتاب جلاء العیون
پنج هزار دینار	کتاب تاریخ نادر
پنج هزار دینار	کتاب لیلی و مجنون ترکی
دو تومان	کتاب فصول خوارزمی

۵. ویژگی‌های ادبی روزنامه وقایع اتفاقیه

با استقرای نگارنده، برخلاف روزنامه‌هایی مانند اختر، حبل المتین و صوراسرافیل که پس از روزنامه وقایع اتفاقیه منتشر شده‌اند و کاربرد اشعار و امثله و صنایع لفظی و معنوی، تقریباً جزء جدایی‌ناپذیر نثر آنها است، در روزنامه وقایع اتفاقیه، به‌جز مواردی اندک از کاربرد انواع سجع و جناس که آن هم به دلیل نداشتن بسامد بالا در نثر روزنامه، نمی‌تواند ویژگی سبکی آن محسوب شود، نثر روزنامه از نظر دارا بودن ویژگی‌های ادبی، بسیار ضعیف و فقیر است و این امر کاملاً با نوع نثر شتابزده و غالباً ویرایش‌نشده این روزنامه همخوانی دارد.

۶. مقایسه اجمالی نثر روزنامه وقایع اتفاقیه با برخی متون هم‌روزگار آن

نثر دوره مورد بحث، عموماً با عنوان «نثر مشروطه» یا «نثر قاجاریه» خوانده می‌شود. دکتر خانلری معتقد است «این دوره را در تاریخ ادبیات فارسی، دوره نثر باید شمرد.» (نخستین کنگره نویسندگان ایران، ۱۳۸۵: ۱۲۶). بنابر اظهار نظر کلی محققانی چون خانلری (نخستین کنگره نویسندگان ایران)، سعید نفیسی (افشار، ۱۳۳۰)، و منصور رستگار فسایی (رستگار فسایی، ۱۳۸۰)، نثر این دوره، با کنار گذاشتن معایب و ناهمگونی‌هایی که طی سالیان گذشته در کارنامه خود ثبت کرده بود، به سرعت به سمت سادگی و روانی در حرکت است و با تغییرات محتوایی قابل تأملی، کاملاً چهره‌ای دگرگون به خود گرفته است.

الف) ویژگی‌های زبانی

در بیشتر آثار منثور این دوره، برخلاف نثر روزنامه‌ و قایع اتفاقیه حرکت قابل توجهی به سمت کاربرد واژه‌ها و ترکیبات فارسی دیده می‌شود:

امین‌الدوله: ... شنبه دهم محرم و روز عاشورا است. سحرگاه برخاسته، سر و رو شستم و حاج ملاباشی و حاج شیخ حسین را آواز داده، با خود به حرم بردم. نماز بامدادی را به جا آورده، به زیارت مشرف شدیم... (کشاوری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶۱)

امیرنظام گروسی: ... هرچه می‌دوم و هر کجا می‌روم، همان احمد پارینه و محمد دیرینه‌ام. نقش‌ها هرچه بود، زده شد و کفش‌ها هرچه داشت، دریده گشت. فایده‌ای نبخشید و نخواهد بخشید. (همان، ص ۱۳۳۵)

ناصرالدین‌شاه قاجار: امروز باید به شاه کوه رفت. راه شش فرسنگ است. یک ساعت به‌دسته مانده، سوار شده، رو به شمال رانده، قدری که از ده دور شدیم، به جاده پرسنگ سخت بدی افتادیم که از دو سمت دیوار داشت. خداوند رحم کرد که طول این جاده کم بود... (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱، ص ۵۶)

یغمای جندقی: عبدالله پسر جعفر طیار گوید روزی به‌دیدار معویه (کذا) شدم. دریده‌گریبان و ژولیده‌موی از خانه برآمد. چون چشمش بر من افتاد، سخت پراکنده گشت و گران شرمنده، نشان آشفتگی از رخسارش روشن پدیدار افتاد... (کشاوری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۲۸)

گرچه این امر در روزنامه‌ و قایع اتفاقیه هم دیده می‌شود، از حد ساخت‌واژه فراتر نمی‌رود و در بقیه‌ ارکان جمله نفوذ صرف و نحو عربی و حضور لغات ترکی چشمگیرتر است. یکی از ویژگی‌های پربسامد که از نقاط مشترک نثر روزنامه‌ و قایع اتفاقیه و اغلب آثار منثور این دوره به‌شمار می‌رود، کاربرد وسیع الفاظ در وجه وصفی است:

مجدالملک سینکی: این پیر تکیه‌ طریقت و مرشد طریق حقیقت، با چکمه و شلوار و اسباب حرب، به‌جنگ آنها تاخته، داد درویشی داد. (کشاوری، ۱۳۷۷: ۱۲۳۲)

طسوجی: برادرم پیش رفته، به‌دربیزی خواست. (همان، ص ۱۲۵۳)

ناصرالدین‌شاه قاجار: امروز باز نهار را در منزل خورده، تمام اوقات روز به‌کار گذشت. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱، ص ۱۷۷)

لسان‌الملک سپهر: شاهزاده‌حسینقلی خان که مأمور به‌حکومت فارس بود، از در مخالفت بیرون شده، سر به‌خودسری برداشت و به‌هوای سلطنت جنبش کرد. (کشاوری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶۳)

ب) ویژگی‌های فکری

در بعد فکری، «همه آثار مشور این دوره صفات مشترکی دارند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: شکایت از ظلم و فساد و عقب‌ماندگی، آرزوی عدالت، آزادی و اصلاحات، توجه به کشورهای متمدنی،... (رستگار فسایی، ۱۳۸۰، ص ۵۶۰) برای مثال می‌توان به مکتوبی از فرهاد میرزا خطاب به میرزا حسن خان قزوینی - سپهسالار اعظم - اشاره کرد که در آن، ضمن شکایت از اعمال خشونت دولتمردان در جامعه می‌نویسد: ... چنانچه اینجا مذکور است، جمعی از اعزّه و اشراف را پس از گفت‌وگویی دارالتحقیق حبس فرموده‌اید، مولای مؤمنان با ضرب ذوالفقار و از اجرای حق عجز به هم رسانید. بی‌جهت چرا مردم را باید آزار کرد؟ و به این زودی ایران را فرنگستان نمی‌توان کرد. (افشار، ۱۳۳۰: ۱۴).

یا قسمتی از رسالهٔ مجدیّه اثر مجدالملک سینکی که موضوع آن «انتقاد از دستگاه حکومتی و وضع آشفته مراجع دولتی می‌باشد. (همان، ص ۱۶) ... حکومت ایران نه به قانون اسلام شبیه است، نه به قاعدهٔ ملل و دول دیگر. باید بگوییم حکومتی است مرکب از عادات ترک و فرس و تاتار و مغول و افغان و روم، مخلوط و درهم یک عالمی است علیحده، با هرج و مرج زیاد... شتر مرغ‌های ایرانی که از پترزبورگ و سایر بلاد خارجه برگشته‌اند و دولت ایران مبلغ‌ها در راه تربیت ایشان متضرر شده، از علم دیپلمات و سایر علوم که به تحصیل و تعلیم آن مأمور بودند، معلومات آنها به‌دو چیز حصر شده: استخفاف ملت و تخطئهٔ دولت. (همان)

یا پاره‌ای از نثر میرزا ملکم خان در رسالهٔ وزیر و رفیق: ما یک خانه داریم که بنیادش کاملاً معیوب و خراب است و بی‌آنکه در خیال استحکام بنیاد باشیم، در بالاخانه‌های مخروبه یک سمت متصل نقاشی می‌کنیم... وزرای ما متصل در خرابهٔ ایران نقاشی می‌کنند و متصل فریاد می‌کشند که ایران نظم بر نمی‌دارد. (کشاوری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹۷)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نثر روزنامهٔ وقایع اتفاقیه، از بعد ویژگی فکری، چندان مشترکاتی با دیگر آثار مشور هم‌روزگار خود ندارد؛ و البته از یک روزنامهٔ وابسته به حکومت استبدادی عهد ناصرالدین شاه، توقع بیش از این نمی‌توان داشت. شایان ذکر است که هم‌زمان با انتشار آثار انتقادی - سیاسی - اجتماعی که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد، گونه‌ای نثر فارغ از بحث و جدل‌های سیاسی هم در این دوره با زبانی روان و ساده، به حیات خود ادامه می‌دهد که از مشهورترین آنها می‌توان به منشآت قائم‌مقام فراهانی، مجمع‌الفصحای رضاقلی خان هدایت، تاریخ قاجاریهٔ لسان‌الملک سپهر، قصص‌العلماء میرزا محمد تنکابنی و سفرنامه‌های ناصرالدین شاه قاجار اشاره کرد.

ج) ویژگی‌های ادبی

سادگی نثر غالب آثار این دوره، مجال چندان برای استفاده از صنایع ادبی به نویسنده نمی‌دهد؛ گرچه در برخی از این آثار استفاده از انواع جناس و سجع و تضاد و تناسب به طور پراکنده دیده می‌شود، ویژگی پربسامد سبکی این دوره نیست؛ و نثر بیشتر آثار این دوره، مانند نثر «روزنامه وقایع اتفاقیه»، فاقد آراستگی‌های زبانی و معنایی - صنایع ادبی - است. اما پاسخ علمی‌تر و دقیق‌تر را آن‌گاه می‌توان به دست آورد که تک‌تک آثار منثور این دوره سبک‌شناسی شوند؛ بدین ترتیب، براساس سنجش‌های آماری، به درک صحیح‌تری از کیفیت و کمیت حضور صنایع ادبی در نثر این دوره دست یافت.

سخن آخر

همان‌گونه که اشاره شد، نثر فارسی در عصر قاجار، به دلایل مختلف، با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو شد؛ که در این میان، ورود و رونق صنعت چاپ و انتشار نشریات خبری و به اصطلاح روزنامه‌ها، یکی از مهم‌ترین عوامل این تحولات به‌شمار می‌رود، چرا که با توجه به گستردگی و تنوع مخاطبان این روزنامه‌ها، و نیز تکرار شیوه سبکی آنها، هرگونه نکته سازنده و یا مخرب زبانی می‌توانست اثرات عمیق و ریشه‌داری در ساختمان نثر رو به تحول آن دوره بگذارد.

روزنامه وقایع اتفاقیه، علاوه بر دارابودن تمامی این ویژگی‌ها، چون نخستین روزنامه دولتی و در کل، یکی از نخستین روزنامه‌های ایرانی است، نقش مؤثرتری در تحول نثر فارسی ایفا کرده است که با مروری کلی به ویژگی‌های دستوری و لغوی این روزنامه، متأسفانه به این نتیجه می‌رسیم که اثرات مخرب این روزنامه بر نثر فارسی بیشتر از اثرات مثبت و سازنده‌اش است. عواملی چون وجود پربسامد جمله‌بندی‌های شتابزده، کاربرد گسترده لغات و ترکیبات نامأنوس عربی و ترکی، کاربرد القاب و عناوینی که به توصیف مجددالاسلام کرمانی «پرطمطراق و برای عموم مردم مهجور و ناآشنا است. (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۲۸، ص ۵۷۴) و خارج‌شدن جملات این روزنامه از محور صحیح دستوری و نگارشی - که به تفصیل در مقاله آورده شده است - همگی گواهان این ادعایند.

چند عامل اصلی در شکل‌گیری نثر عموماً ناسالم و مخرب این روزنامه نقش دارند: نخست این که روزنامه وقایع اتفاقیه، نخستین روزنامه فارسی است که انتشار مرتب و بدون وقفه طولانی مدتی دارد و نویسندگان و دست‌اندرکاران آن تا پیش از آن هیچ‌گونه

تجربه‌ای در امر روزنامه‌نگاری نداشته‌اند. دوم، قرارگرفتن افرادی در رأس امور اداری و نویسندگی این روزنامه که زبان فارسی زبان اول آنها نیست. با وجود این نباید از یادبرد که نثر فارسی در این دوره به خودی خود حالتی بیمارگونه و پریشان داشت؛ مملو از عبارات و اصطلاحات سنگین و ناآشنای عربی شده بود و درکنار آن، در معرض هجوم گسترده لغات و ترکیبات ترکی هم قرار گرفته بود؛ و اینجا است که اندک نشانه‌های سلامت و سادگی نثر در متن این روزنامه که گه‌گاه به چشم می‌خورد، در خور توجه و ستودنی است.

در حوزه محتوایی، با این که اکثر روزنامه‌های عصر قاجار، از مهم‌ترین واردکننده‌های مفاهیم و اندیشه‌های متنوع و ارزشمند به گستره نثر فارسی به‌شمار می‌روند، و همیشه از روزنامه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عنصر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخش اقشار مختلف جامعه یاد می‌شود، روزنامه وقایع اتفاقیه چون ارگان مستقیم دستگاه مستبد حاکم بود، در این راه چندان موفق عمل نکرده است؛ و وابستگی این روزنامه به دربار اجازه نداده است که نثر و محتوای آن با احساس و نیاز مردم زمانه همراهی داشته باشد هرچند که صرف وجود آن زمینه‌ساز ایجاد آگاهی‌های روزافزون مردم از اعمال هیئت حاکمه و حوادث داخلی و خارجی شد و این امر بسترساز فرهنگ روزنامه‌خوانی و گرایش به کسب خبر و آگاهی از اوضاع سیاسی - اجتماعی داخل و خارج کشور شد.

منابع

- آرین پور، یحیی ۱۳۷۵. *از صبا تا نیما*. تهران: کتابهای جیبی.
افشار، ایرج ۱۳۳۰. *نثر فارسی معاصر*. تهران: معرفت.
باقریان‌نژاد اصفهانی. زهرا ۱۳۷۱. *روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران*. اصفهان: مولانا.
بامداد، مهدی ۱۳۷۵. *شرح رجال ایران*. تهران: زوار.
بهار، محمدتقی ۱۳۸۰. *سبک‌شناسی*. تهران: امیرکبیر.
پروین، ناصرالدین ۱۳۷۷. *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*. تهران: نشر دانشگاهی.
دولت‌آبادی، یحیی ۱۳۷۱. *حیات یحیی*. تهران: عطار و فردوسی.
دهخدا، علی‌اکبر ۱۳۷۷. *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
رستگار فسایی، منصور ۱۳۸۰. *انواع نثر فارسی*. تهران: سمت.
رضوانی، محمد اسماعیل ۱۳۴۵. *انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: ابن‌سینا.
روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۳۷۳. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
شمیسا، سیروس ۱۳۷۴. *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: فردوس.

- صدر هاشمی، محمد ۱۳۶۳. تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان: کمال.
- کسروی، احمد ۱۳۷۸. تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- کشاوری، کریم ۱۳۷۷. هزار سال نشر پارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد ۱۳۲۸. «مناصب و القاب»، یغما، س ۶، ش ۳.
- محیط طباطبایی، محمد ۱۳۷۵. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: بعثت.
- مشیری، علی ۱۳۴۳. «اولین روزنامه‌های ایرانی»، سخن، س ۱۴، ش ۷.
- ناتل خانلری، پرویز ۱۳۶۹. هفتاد سخن. تهران: طوس.
- ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۶۱. سفرنامه خراسان. تهران: بابک.
- نخستین کنگره نویسندگان ایران ۱۳۸۵. تهران: اسطوره.